

پژوهشگاه: توسعه ساختاری و آینده



محمدجواد ا. لاریجانی
رئیس پژوهشگاه دانشهای بنیادی

۱. اگرچه «کاربرد» همواره در توسعه نقش مهمی دارد، اما همواره علاقه جمعی و گسترش یابنده به «آگاهی» است که شاخه‌ای از دانش را در میان مردمی در برهه‌ای از زمان گسترش می‌دهد؛ جمعی که می‌دانند در تعاملی علمی-اجتماعی با یکدیگر و با استعدادها آماده قرار می‌گیرند و بدین‌سان شعبه‌ای از معرفت ریشه می‌دواند و رشد می‌کند و به بخشی از میراث فرهنگی یک ملت تبدیل می‌گردد.

۲. با چنین تلقی‌ای، مرکز تحقیقات فیزیک نظری و ریاضیات حدود یک دهه است که متولد شده است و امروز به‌صورت یک پژوهشگاه، دارای چهار شاخه اصلی است: ریاضیات، فیزیک، سیستم‌های هوشمند، و علوم کامپیوتر (البته پژوهشکده کامپیوتر در حال تأسیس می‌باشد). در واقع در گذار از «مرکز» به «پژوهشگاه» دو مسأله مهم مد نظر بوده است:

اول، توسعه میدان مطالعات در حوزه‌های ریاضیات و فیزیک به‌نحوی که زمینه‌های تجربی را نیز در برگیرد.

دوم، توجه به زمینه‌های نوین در معارف بشری که غالباً ماهیت بین‌المعرفی دارند و در ضمن تأثیرهای مهمی در صنعت و روابط اجتماعی و سازماندهی آن دارند.

۳. در حدود یک دهه گذشته، محصول تحقیقات دانش‌پژوهان مرکز در ضمن صدها مقاله که در مجلات علمی معتبر دنیا به چاپ رسیده‌سو در گزارش‌های فنی منعکس شده است. اما این توفیقات را که عمدتاً توسط محققان جوان ما به‌دست آمده‌باید قدم اولی بدانیم برای رویارویی مستقیم با پدیده‌های واقعی، به‌نحوی که کاوشگران ما با بخش‌هایی از عالم واقع ارتباط عالمانه و در سطوح بسیار پیشرفته برقرار نمایند؛ به عبارت دیگر: آرزوی ما این است که وقتی صحبت از پاره‌ای از موضوعات بشود، همه در

باسمه تعالی

در این شماره:

پژوهشگاه: توسعه ساختاری و آینده
سه مصاحبه
آنچه گذشت
اخباری از مرکز
اطلاعیه

نماید و شکوفا شود و مشعل روشن شده را به دست نسل بعد بسپارد. به عبارت دیگر: امروز باید به فکر فردا باشیم. توسعه ساختاری مرکز تحقیقات فیزیک نظری و ریاضیات به دنبال چنین افکاری تحقق یافته است. از خدای سبحان می‌خواهیم که پژوهشگاه دانشهای بنیادی را به مکتب پر فروغ و پرتحرک علمی کشور در دهه‌های آینده تبدیل نماید. آمین رب العالمین.

دنیا بدانند که در سرزمین ایران گروهی هستند که این دانش‌ها را در بالاترین سطح دارا هستند و دارای مکتب خاص خود می‌باشند.

برای رسیدن به اهدافی که آرزومندانه بیان کردیم، امروز باید به فکر باشیم و پایه‌های صحیح و شالوده‌های معقول بریزیم؛ و از همه مهمتر «تداوم» است: با تداوم است که نسل جوان و دانش‌پژوه کشور ما فرصت می‌یابد که رشد

سه مصاحبه

بسط این امکانات و عادات به دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی دیگر، و ثانیاً ارتقای کیفیت پژوهش در ایران و به‌ویژه در پژوهشگاه به طوری که محققین و تحقیقات ما نه فقط جزئی از خیل عظیم پژوهش جهانی بلکه در بعضی شاخه‌ها به‌عنوان جریانی تعیین‌کننده و پیشرو در آید؛ به عبارت دیگر امکان جوشش و پدید آمدن مکاتب علمی.

لازمه تحقق وظیفه اول ایجاد ارتباطات نزدیکتر با دانشگاه‌ها است؛ مثلاً از طریق مراکزی وابسته در دانشگاه‌ها و تزریق تجربه مرکز در این مراکز جدید. وظیفه دوم، یعنی ارتقای سطح پژوهش، منوط به ممیزی بهتر و امکانات بیشتر است.

حالا دیگر باید روشن شده باشد که تصمیمات سختی که لازم بود اتخاذ شود تا دو وظیفه فوق‌الذکر در دسترس قرار گیرد، محتاج پوست کلفتی بود که شاید در خود سراغ داشتیم. انتقال قسمتی از فعالیت‌های محققین مرکز به دانشگاه‌ها، ایجاد روندی مستمر از محققین که مدت معینی را در مرکز بتوانند بگذرانند و تجربیاتشان را با حمایت مرکز به دانشگاه‌ها القا و ساری کنند، تکیه بیشتر بر جریان‌های تحقیقاتی مهم‌تر و محققین موفق‌تر-همه اینها محتاج چارچوب‌های تازه و تصمیم‌گیری‌های مشکلی بود که خوشبختانه به همت شورای علمی پژوهشگاه به انجام رسیده است.

رؤس اهداف شما در این دوره مدیریتتان چیست؟

بنا بر این دو کار باید در برنامه آینده مرکز قرار گیرد: اولاً توسعه رفتار مقاله‌نویسی به دانشگاه‌ها، ثانیاً تعمیق امور پژوهشی در کشور و به‌ویژه در پژوهشگاه. از یک طرف پژوهشگاه باید نقش نهادینه تقویت پژوهش در خارج از پژوهشگاه را ایفا کند، و از طرف دیگر در جهت ارتقای کیفیت محققین در خود پژوهشگاه قدم بردارد. اولی از طریق ایجاد مراکز وابسته، تشکیل هسته‌های تحقیقاتی که بعضاً در پژوهشگاه مستقر خواهند بود، و بالاخره حمایت از طرح‌های منفرد، و دومی از راه استخدام هیأت علمی در دوره‌های بعد از دکترا به تعداد کافی در رشته‌های معینی که به جرم بحرانی برسند، و نیز پرورش و ارتقاء استعداد‌های استثنایی در میان این جوانان، و بالاخره جذب محققین موفق ایرانی در خارج. داشتن پژوهشگران ارشدی که خود منشاء جریان‌های تحقیقاتی در سطح جهان هستند نقطه اوج این راه خواهد بود.

در اردیبهشت ۱۳۷۷ رئیس پژوهشگاه دانشهای بنیادی، دکتر محمدجواد لاریجانی، دکتر فرهاد اردلان را به‌عنوان رئیس پژوهشگاه فیزیک، دکتر شاهین روحانی را به‌عنوان رئیس پژوهشگاه سیستم‌های هوشمند، و مهندس احمدرضا هامونی حقیقت را به سمت معاون مالی-اداری پژوهشگاه منصوب کرد. برای آشنایی خوانندگان با دیدگاه‌های این مدیران، اخبار پاسخ‌های آنان به چند سؤال کتبی را منتشر می‌کند.

فرهاد اردلان

رئیس پژوهشگاه فیزیک

آقای دکتر، شما قبلاً معاون مرکز و رئیس بخش فیزیک بوده‌اید؛ چرا مجدداً مسؤلیت این بخش را (که این بار نام «پژوهشگاه» بر خود دارد) پذیرفتید؟ مشخصاً، آیا برنامه‌های جدیدی دارید یا اینکه همان طرح‌های قبلیتان را دنبال خواهید کرد؟

برای اینکه جواب دهم که چرا دوباره این مسؤلیت را پذیرفتم لازم است بازگردم به تاریخچه مرکز و شرایط را در زمان پذیرفتن مسؤلیت توصیف کنم، که می‌شود جواب سؤال دوم.

ارزیابی کارشناسانه شما از عملکرد بخش فیزیک (از آغاز تا کنون)

چيست؟ دستاوردهای محققان این بخش را نسبت به کل محققان فیزیک کشور چگونه می‌یابید؟

وقتی که کار مرکز و به‌ویژه پژوهشگاه فیزیک شش-هفت سال پیش به‌طور جدی شروع شد، وظیفه اصلی، ایجاد امکان و عادت مقاله-متعارف-بین‌المللی-علمی-نوشتن بود. این کار انجام گرفت و محمل اصلی آن حضور حدود سی نفر استاد دانشگاه به‌طور پاره‌وقت و حدود همین تعداد دانشجوی دکترا در محل پژوهشگاه یعنی ساختمان فرمانیه بود. نتیجه کار حدود دوست مقاله در همان سطح مطلوب مورد نظر بوده است. این اساتید و این دانشجویان که با آهنگی مناسب رساله‌هایشان را با موفقیت به پایان می‌رسانند ستون پژوهشی فیزیک در ایران شده‌اند. مقاله‌نویسی دیگر عادت غیر قابل بازگشت برای آنان شده است.

این موفقیت چشم‌گیر دو وظیفه تازه در مقابل ما قرار داده است: اولاً